

استاد گرامی، جناب آقای دکتر نراقی

از پاسخ خوب و دقیقی که برآیم نوشتید سپاسگزارم. من آن را با دقت خواندم و استفاده کردم، ولی هنوز ابهاماتی وجود دارد که برآیم حل نشده است. سعی می‌کنم این ابهامات را به اختصار توضیح دهم.

1 سخن من این بود که اصولاً **علل** یا **دلایل** برای گنجاندن گزاره‌های کاذب در میان متن پیام ناشی از محدودیت در علم و قدرت و یا سایر اوصاف صاحب پیام است و این در مورد خداوند نمی‌تواند صادق باشد. چراکه علم و قدرت خداوند مطلق و نامحدود است و بنابراین هیچ شرایطی او را ملزم به مفروض گرفتن اعتقادات باطل و کاذب مردم عصر تنزیل نمی‌کند. پاسخ شما این بود که:

من مطمئن نیستم که این سخن درست باشد. در مثال من، آنچه وجود گزاره ای کاذب را در متن الزام می‌کند محدودیت در علم یا قدرت من نیست، بلکه محدودیت در علم و قدرت دوست من است. به بیان دیگر، اشکال در فاعلیت فاعل نیست، در قابلیت قابل است. به تعبیر دیگر، میزان فهم مخاطب گوینده را به بکارگیری گزاره ای کاذب الزام کرده است.

اما من گمان نمی‌کنم در این مثال، صرف دانستن اینکه آن فرد در حقیقت مشغول خوردن کیوی است، به معنای عدم محدودیت در علم شما باشد. برای روشن‌تر شدن مطلب فرض کنید دوست شما دقیقی پیش با همان شخصی که مشغول خوردن کیوی است سلام و احوالپرسی کرده و با او آشنا شده است، ولی شما از این موضوع خبر ندارید. اکنون اگر از این آشنایی خبر داشتند، به جای گزاره " شخصی که در حال خوردن سیبزمینی است، چهره زیبایی دارد" به او می‌گفتید " همان که دقیقی پیش با او آشنا شدید و اسمش فلان است و مثلاً فلان جا نشسته، چهره زیبایی دارد". همینطور اگر می‌دانستند که با اشاره به یک ویژگی دیگر (مثلاً ملیت، زبان، لهجه، نوع و رنگ لباس، قد و هیکل، رنگ چشم و ...) دوست شما خواهد فهمید که منظورتان چه کسی است، به همان ویژگی اشاره می‌کردید. اما در این مثال شما تنها راه شناساندن فرد مورد نظر را اشاره به سیبزمینی خوردن او یافته‌اید و این به نظر من چیزی جز ملزم شدن به کذب در اثر محدودیت در علم نیست.

2 من گفته بودم خداوند می‌تواند به جای گنجاندن گزاره‌های کاذب در متن پیام خود، میزان فهم و دانش مخاطبان را بالا ببرد. شما در پاسخ گفته‌اید:

اما کاملاً می‌توان فرض کرد که خداوند ارتقای دانش و معرفت آدمیان را درباره اموری که بیرون از قلمرو اصلی دین است، در گرو تلاش مختارانه خود ایشان نهاده است و سخن گفتن در حد فهم و دانش قوم از جمله به معنای رعایت حدود اختیار آدمیان است. مضافاً بر آنکه اگر پیام را بتوان در چارچوب فرهنگ قوم در عصر تنزیل وحی به نحو مؤثری مبادله کرد، در آن صورت می‌توان به نحو موجهی فرض کرد که لازم نیست خداوند تمهید دیگری برای آن مبادله بیندیشد.

اما این پاسخ به نظرم کافی نیست. سؤال من این نبود که چرا خداوند در اموری که بیرون از قلمرو اصلی دین است، قدرت فهم و علم و دانش آدمیان را زیاد نمی‌کند، سؤال من این است که خداوند عالم مطلق و قادر مطلق اگر برای فهماندن پیام خود بر سر دو راهی زیر قرار بگیرد:

الف خرافه‌ها و باطیل قوم را تأیید کند

ب قدرت فهم پیام خود را به آدمیان بدهد تا نیاز به فرض الف نیفتد

کدام را انتخاب می‌کند؟ پاسخ من این بود که به اقتضای اوصافش ضرورتاً روش دوم (ب) را انتخاب می‌کند.

3 بسیار خوب، شاید اگر در مدعای اصلی مقاله شما (کذب در کلام وحیانی) صرف "متن" یا "پیام" و آن هم با "مخاطبانی محدود به لحاظ مکانی و زمانی" مورد نظر باشد، تمام نقدهای من

تا اینجا بی‌اثر بماند (این فرضی است که من در نامه قبلی‌ام نیز مطرح کردم). اما اگر از عمومیت مطلق واژه "متن" عبور کنیم و ویژگی‌های خاصی را برای آن در نظر بگیریم و مخاطبان را هم محدود به عده‌ای خاص در یک مکان و زمان خاص ندانیم و به عبارتی دقیق‌تر، حوزه بحث را ناظر به محل نزاع میان موافقان و مخالفان و حیانی بودن متون مقدس (مانند قرآن) کنیم و از فرض‌های انتزاعی محض درگذریم، آنگاه داستان شکل دیگری به خود خواهد گرفت. در همان مثالی که آورده‌اید، فرض کنید می‌خواهید پیام "زیبا بودن آن شخص" را نه فقط به یک نفر، بلکه به تعداد زیادی از افراد حاضر در میهمانی برسانید و باز هم فرض کنید عده‌ای از آنها کیوی را می‌شناسند و عده‌ای نمی‌شناسند. حالا اگر با مخاطب قرار دادن همه آن افراد (بطور یکجا) بگویید "فردی که در حال خوردن سیبزمینی است، زیباست"، قطعاً تعدادی از مخاطبان خواهند پرسید: شما از چه کسی سخن می‌گویید؟ ما در این جمع کسی را نمی‌بینیم که مشغول خوردن سیبزمینی باشد! آنگاه اگر شما جهل عده‌ای از آن جمع نسبت به کیوی را به عنوان علت یا دلیل گنجاندن آن گزاره کاذب در پیام خود مطرح کنید، آنها خواهند پرسید که مگر شما مجبور بودید همه ما را یکجا مورد خطاب قرار دهید؟ مگر نمی‌توانستند با ما به‌گونه‌ای و با آنها به‌گونه‌ای دیگر سخن بگویند؟ اکنون مسئله استمرار زمانی را هم به ویژگی‌های پیام اضافه کنید. یعنی فرض کنید خداوند می‌خواهد کتابی آسمانی برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها نازل کند. آیا خدای حکیم در هنگام نزول چنین کتابی در یک عصر خاص (مثلاً هزار و چهارصد سال پیش)، فقط به فکر فهماندن پیام خود به مخاطبان همان عصر (مردم عربستان) است و آیندگانی را که ممکن است در اثر دیدن همین گزاره یا گزاره‌های کاذب در لابلای متن، در وحیانی بودن پیام دچار تردید و یا در فهم آن دچار خطا شوند (و خطای آنها فجایع وحشتناکی به بار آورد) فراموش می‌کند؟ از اینها گذشته مشکل دیگری در اینجا به وجود می‌آید که بسیار مهم و قابل تامل است. فرض کنید خداوند می‌خواهد همین کتاب آسمانی را در عصری که مردم گمان می‌کنند "زمین مسطح است" نازل کند. پرسش این است که آیا تأیید گزاره "زمین مسطح است" توسط خدا (به خاطر فهماندن پیام خود به مردم) باعث این نخواهد شد که در آینده کسانی که به کروی بودن زمین پی می‌برند به مشکلاتی مانند مجازات مرگ یا زندان و شکنجه (به جرم سخن گفتن بر خلاف متون مقدس که کلام خداوند محسوب می‌شود) گرفتار آیند (قرون وسطی را به خاطر بیاورید)؟ خدای قادر و عالم و حکیم اگر بخواهد همه آدمیان در همه اعصار را با ارسال کتاب یا پیام هدایت کند، کدام راه را برخواهدگزید:

الف) پیام خود را در قالب یک متن خاص و در یک زمان و مکان خاص و با تأیید اباطیل و خرافات مخاطبان در آن زمان و مکان نازل کند و در عین حال آن متن را مرجع فهم پیام خود در همه زمان‌ها و مکان‌ها قرار دهد و از این طریق، هم مانعی سخت بر سر راه علم ایجاد کند و هم فجایع دردناک و خونبار به بار آورد.

ب) پیام خود را در هر زمان و مکانی متناسب با فهم مردم همان زمان و مکان نازل کند. به نظرم اگر اوصاف خداوند مخصوصاً حکمت و خیرخواهی او را در نظر بگیریم و به این نکته توجه کنیم که روش اول فتنه‌ها و فجایع وحشتناکی را برای بشر به وجود خواهد آورد (باز هم تاریخ خونبار بشر را بیاد آورید) و روش دوم نیز هیچ محذور عقلی یا اخلاقی ای ندارد، شک نخواهیم کرد که خداوند عالم و حکیم و خیرخواه روش دوم (ب) را خواهد برگزید. براینیان از صمیم قلب آرزوی سلامتی و شادکامی می‌کنم.

ارادتمند همیشگی شما
حجت الله نیکویی